

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقری
فرستنده: محمود شاداب
۱۸ جون ۲۰۱۹

[آب بقا مخواه]

دستِ طمع دراز مکن سوی هیچ کس
می خواهی عشقری که بَری لذت از جهان
اختیارِ توست یا دنیا یا عقبا بخواه
زین تُنک ظُرفان گذر کن تر نمی گردد لبت
دیده پر آب از میخانه دل وام کن
گر حیات جاودان چون خضر داری جست و جو
دقتی گُن دستگاه صُنع آخر زان کیست
گر به شیرین کار داری سر بزن در بیستون
عشقری از عشق او با قدر و قیمت گشته ای
با خضر اگر تو بر خوری آبِ بقا مخواه
ظرف از سفال و فرش به از بوریا مخواه
هر چه خواهی از دَرِ خلاق بی همتا بخواه
خواهش دُرَدانه داری از دلِ دریا بخواه
مستی و سرشاری از این ساغر و مینا بخواه
یک نگه بر حال خود زان نرگس شهلا بخواه
آشنای لفظ چون گشتی از او معنا بخواه
گر به لیلی تار داری دامن صحرا بخواه
رتبه دلداری خود را از همه بالا بخواه